

### متن پرسش

سلام علیکم: علامه طباطبایی در المیزان در پایان تفسیر آیه «فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ» و در معنای «ذکر» می فرمایند: «...اینکه بعضی گفته اند: ذکر به معنای حضور معنا است در نفس، سخنی است درست، برای اینکه حضور دارای مراتبی است. در آیه مورد بحث امر به (یاد آوری) متعلق به (یاء) متکلم شده، فرموده: مرا یاد بیاور، اگر یاد آوری خدا را، عبارت بدانیم، از حضور خدا در نفس، ناگزیر باید قائل به تجوز شویم، (و بگوئیم: مثلاً منظور یاد نعمت ها و یا عذابهای خداست) و اما اگر تعبیر نامبرده را تعبیری حقیقی بدانیم، آن وقت آیه شریفه دلالت می کند بر اینکه آدمی غیر از آن علمی که معهود همه ما است، و آن را می شناسیم، که عبارتست از حضور معلوم در ذهن عالم، یک نسخه دیگری از علم دارد، چون اگر مراد همان علم معمولی باشد، سر به تحدید خدا در می آورد، چون این قبیل علم عبارت است از تحدید و توصیف عالم معلوم خود را، و ساحت خدای سبحان منزله از آنست که کسی او را تحدید و توصیف کند...» در اینجا حضرت علامه سخن را قطع می کنند و توضیح دیگری نمی دهند. حال سوال اینجاست که آن نوع دوم از علم که علامه بدان اشاره می کنند چیست و ارتباط ذکر خدا با آن نوع علم چگونه است؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: احتمالاً ترجمه، خوب انجام نشده. می خواهند بفرمایند اگر یاد خدا به معنای علم به خدا مثل علمی که ما به سایر پدیده ها مثل میز و صندلی داریم، باشد، برای خدا محدودیت و تحدید قائل شده ایم و لذا علم به خدا و یاد او باید احساس حضور همه جانبه به او باشد و یا علم به نعمت ها و عذاب های او. موفق باشید